

بازسازی و برکت

پدر راستین

دوم فوریه سال ۱۹۶۹ توکیو، ژاپن

هیچ کس تا بحال متوجه نشده است که تاریخ بشری يك تاريخ بازسازی بوده است. فضیلت باشکوه نهضت هماهنگ، توجه به اتفاقات تاریخی بعنوان مراحل مختلف (پیشرفت تدریجی و مداوم) بازسازی است. این خداست که اساس و بنیان این زمینه‌ی تاریخی است. تا به این زمان، او خودش متصدی تمامی تاریخ بوده و تلاشش همه برای توسعه و پیشرفت آن بوده است. بخاطر خواست خدا، به افراد، خانواده‌ها، قبایل و ملت‌ها، ماموریت بازسازی داده شده بود و از طریق آنها تاریخ بطور تصاعدی پیشرفت نموده است. بنابراین سؤال اساسی تاریخ باید این باشد که، چه زمانی این تاریخ بازسازی به پایان خواهد رسید؟

چه زمانی اهداف تاریخ تحقق خواهد یافت؟ تکمیل بازسازی به معنای بازسازی تمامی استانداردهای تکمیل نشده می‌باشد. بعنوان مثال، استاندارد که آدم بسبب سقوطش نتوانست تکمیل کند و استاندارد که توسط عیسی انجام نگرفت. اینها می‌بایست از طریق غرامت بازسازی شوند و این ماموریت نهضت هماهنگ می‌باشد. من رهبری این را بعهده داشته و تمامی اعضای نهضت هماهنگ در تمامی نقاط مختلف جهانی قرار است که پیروی کنند. ماموریت من این است که به تمامی اعضاء اجازه دهم که برای بازسازی تمامی استانداردهای انجام نشده وارد عمل شوند و این ماموریت شما است که با توجه به سمت و جهتی را که به شما نشان می‌دهم آن را به انجام برسانید.

مردی که این ماموریت مهم را بعهده دارد باید از آدم بزرگ و عظیم‌تر باشد و باید در مقام عیسی آن استاندارد را بواقعیت در آورد. زنی که به این مرد مربوط می‌شود، باید به وراى حوا رفته و در مقام نوین عیسی پذیرفته شود. ماموریت نهضت هماهنگ این است که به چنین مرد و زنی تولد دهد. عیسی به صلیب کشیده شد، بهمین خاطر تمامی پایه‌های تاسیس شده تا آن زمان بر روی زمین بطور کامل از بین رفت. غرامت چیزی را که عیسی نتوانست آن را به انجام برساند، باید از طریق هر يك از ما پرداخت شود و در این راه ما باید به وراى او برویم.

راه عذاب (مسیر مقابله، تضاد، مخالفت)

برای اینکه هر کدام از ما غرامت از دست رفته‌ها را بپردازیم، باید با طی طریق کردن از تمامی منازعه‌ها و تقلاهای تاریخی در این دنیا، آن استاندارد را بواقعیت درآوریم. بنابراین قرار است که از جانب هرکسی مورد رنج و عذاب قرار

گرفته و سرانجام بر تمامی آنها غلبه کنیم. بدون این چنین دوره رنج و عذابی، بازسازی از طریق غرامت نمی‌تواند صورت گیرد.

تا به این زمان راه (زندگی با ایمان) اعضای نهضت هماهنگ همین مسیر (رنج و عذاب) بوده است. کانون همواره مورد ضرب و شتم و رنج و آزار قرار گرفت، اما هیچوقت شکایت نکردیم. علیرغم اینکه در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، قبیله‌ای و ملی مورد آزار قرار گرفته و خودمان را در نهایت تنها یافته‌ایم، می‌بایست در چنین موقعیت‌هایی، به خدا دلداری و تسلی می‌دادیم، که این تمامی تاریخ نهضت هماهنگ بوده و شما باید از این مسئله آگاه باشید. هیچ کس جز من نمی‌تواند آن را بطور کامل بفهمد.

عیسی حتی از جانب سه حواری خود مورد مخالفت قرار گرفت. سه حواری نماینده و سمبول سه ملت در سطح جهانی هستند. به همین علت وقتی که ما راه خود را در سطح جهانی پیشگام می‌شویم، باید از جانب سه ملت مورد مخالفت قرار گیریم. اما حتی در عمق این تفرقه‌ها و کشمکش‌ها باید پایه‌های غرامت را در سطح جهانی تاسیس کنیم. این چگونگی تاسیس معیار و استاندارد پیروزمندان‌های در اولین دوره هفت ساله هستیم که از سال ۱۹۶۷ به پایان رسید. اکنون در دومین دوره هفت ساله هستیم که از سال ۱۹۶۸ آغاز گردید. دلیل اینکه چرا ما باید در یک چنین راه غرامتی پیروز شویم این است که باید معیارها و استانداردهای از دست رفته بواسطه سقوط (آدم و حوا) و همینطور زمان عیسی را بازسازی کنیم. ما باید برای همه چیز هم به شکل بیرونی و هم به شکل درونی غرامت بپردازیم. اصل الهی را که هم اکنون آن را مطالعه می‌نماییم، تمامی چیزهایی را که در طول تاریخ تکمیل شده به ثبت رسانده است. اما حتی این کتاب نمی‌تواند چگونگی پرداخت غرامت را در ارتباط با این کارها تشریح کند. در حال حاضر من در تلاش هستم تا این دوره را با پیروزی پیشگام شوم.

در حال حاضر در کشور کره هیچ نیروئی نمی‌تواند نهضت هماهنگ را مغلوب نماید. نمی‌تواند خانواده ما را از روی زمین ریشه کن کند. ما بطور کامل پایه و استاندارد پیروزمندان را بواقعیت درآورده‌ایم، به گونه‌ای که حتی اگر حوزه پلیدی به کانون ضربه زند، خدا می‌تواند ما را مورد حمایت و حفاظت قرار داده و شیطان نمی‌تواند در این باره مخالفت کند. این حوزه پر ارزش پیروزی است که در طی ۲۱ سال گذشته متمرکز بر دوره‌ی (زندگی) من بواقعیت درآمده است.

این بالاترین لذت برای تمامی تاریخ و جهان هستی است که خدا در آخرزمان مسیح زنده، یعنی کسی که او در طول تاریخ چهار هزار سال عهد قدیم و دو هزار سال از زمان معراج عیسی منتظرش بوده، استاندارد از دست رفته را بازسازی و آن را بواقعیت درآورده است. هیچ مژده‌ی نیکوی دیگری نمی‌تواند از این جالبتر باشد. هیچ چیز دیگری جز این فرصت برای تکمیل هر دو پایه‌های عمودی و افقی غرامت در سطح زمین نمی‌تواند شادی بخش باشد.

بازسازی از طریق غرامت باید در مسیر وارونه صورت گیرد. در خانواده آدم قرار بود که آدم سقوط کرده از طریق اتحاد هابیل و قابیل بازسازی شود. بنابراین تا زمانی که بتوانیم هابیل و قابیل را بازسازی کنیم قادر نخواهیم بود که به پیشواز والدین راستین در مقام نجات دهنده برویم. از این رو سرور یعنی کسی که با قلب خدا یگانه و متحد است، باید در ظهور دوم از مسیر پر خار و خس و راه صلیب (راه عذاب) عیسی بگذرد. او باید با بالاترین نوع عذاب، تمامی مشکلات را حل و فصل نموده و برای حصول پیروزی، یک قربانی زنده شود، در غیر اینصورت پایه‌های بازسازی نمی‌تواند تاسیس شود. بدین جهت اولین مسیر (ماموریت) نجات دهنده دریافت رنج و عذاب از تمامی جهات بود.

چنین رنج و عذابی در ژاپن تجربه نشده است، اما در کره برای انجام و تکمیل خواست خدا در سطح جهانی، متمرکز بر ماموریت، چنین شرایط سختی تحمل شد. به این خاطر نهضت هماهنگ دوره‌ی (کار و تلاش) را در زندان آغاز کرده است. مسیحیت اولیه از کجا آغاز شد؟ آنهم در زندان شروع شد. تاریخ مسیحیت، یا اسرائیل دوم از یک موقعیت حبس و رنج و عذاب شروع شده است. برای بازسازی این مسئله باید غرامت آن را بپردازیم. به این خاطر نهضت هماهنگ دین

خود را در زندان ادا کرد تا خدا بتواند بطور مستقیم با ما کار نماید. تفاوت اینجاست که وقتی عیسی به زندان افتاد، حواریونش فرار کرده و پراکنده شدند، اما اکنون شما باید معکوس عمل نمایند

حتی در رودروئی با موقعیتی بسیار سخت و سهمناک، همه باید با یکدیگر متحد شده و در مقابله با مرگ جسورانه بایستیم. برای طی طریق کردن از مسیر مشیت الهی برای رستگاری و از اعماق به بالا صعود نمودن، بیست و یک سال بطول انجامید. خواست اولیه این بود که اگر مذهب مرکزی در میان ملت برگزیده نجات دهنده را می‌پذیرفت، بازسازی تنها در هفت سال به انجام می‌رسید. از آنجایی که نتوانستیم از جانب آنان چنین پذیرشی را داشته باشیم، مجبور بودیم که یک دوره بیست و یک ساله را سپری کنیم. شما تا حدودی از اولین دوره هفت ساله اطلاع دارید اما زمینه‌ی کامل آن را نمی‌دانید.

تاریخ خانوادگی خدا و تاریخ قبیله متمرکز بر خدا در پس این دوره بود. برای اینکه شما این تاریخ را خوب متوجه شده و بدانید، باید برکت بگیرید. چون تا زمانی که شما برکت نگرفته و استاندارد آن را به ارث نبرده‌اید، نمی‌توانم زمینه‌ی آن دوره را برای شما آشکار کنم. زمانیکه از آن دوره بخوبی آگاه شوید، احساس خواهید کرد که تاریخ بازسازی چقدر تلخ بوده است. از اینرو باید تشخیص دهیم که برکت چقدر با ارزش است.

به ارث بردن سنت عیسی

اگر مایل به دریافت برکت هستیم، باید بر چگونگی زندگی اختصاصی برای انجام خواست خدا تمرکز کنیم. وقتی عیسی در باغ جستیمانی دعا می‌نمود، نه برای انجام خواست خودش که برای خواست خدا دعا می‌کرد. او راه عذاب (صلیب) را بواسطه خواست خودش انتخاب نکرد. تا زمانیکه بسان عیسی، بر توانایی غلبه بر مسئله‌ی مرگ و زندگی اعتماد بنفس نداشته باشید، نمی‌توانید در مسیر بازسازی گام نهید. آیا به اندازه کافی اعتماد بنفس دارید که زندگی خود را برای خواست خدا تسلیم و تقدیم نمایید؟ باید بدانید که برای طی طریق کردن از این دوره نمی‌توانید تنها باشید، شما باید قادر باشید که با تمامی مردم در ارتباط قرار گرفته و بتوانید کسانی را که از شما پیروی خواهند کرد، دلداری دهید.

آیا بطور جدی و واقعی آماده هستید تا زندگی خود را فدا کنید؟ شما نمی‌توانید بیاندیشید که چون من دختر جوان و زیبایی هستم، هیچگونه عیب و نقص بخصوصی نداشته و هر جا که بروم بخوبی از من پذیرایی خواهد شد. من نباید به چنین کارهایی دست بزنم. دختری چون من، نمی‌تواند کارهای سخت و فداکارانه‌ای انجام دهد. یا اینکه من مردی با بدنی پر قدرت و ظاهری خوش تیپ و خانواده‌ای بزرگ هستم. هرآنچه را که طلب کنم به آسانی بدست خواهم آورد. بنابراین در مقام اینچنین مرد جالب و شگفت‌انگیزی، نمی‌توانیم چنین کارهای سخت و فداکارانه‌ای را انجام دهیم. در ارتباط با گام نهادن در مسیر فداکاری نباید بیش از این پریشان خاطر باشید.

عیسی در حالیکه صلیب را بر دوش می‌کشید، می‌توانست برای ترحم و دلسوزی به خودش بگوید: من نباید چنین کاری را انجام دهم، اگرچه مردی سی و سه ساله هستم، هنوز ازدواج نکرده‌ام و ماموریت و ارزش من هنوز تحقق نیافته است... اما عیسی نمی‌توانست اینگونه بیاندیشد. برای او مرگ مسئله مهمی نبود. برای فدا کردن زندگیش آماده بود و سنگینی صلیبی را که بدوش می‌کشید، او را از انجام این کار باز نمی‌داشت. اگرچه بطور جسمی (در هنگام حمل صلیب) به زمین افتاد، اما بخاطر بنیه درونی قوی‌اش، متزلزل نشد. هیچ مرد دیگری در طول تاریخ هرگز چنین عزمی راسخ و مرتبط با خدا نداشته است و بسبب قدرت عظیم او تاریخ بشری جهت نوینی بخود گرفت و این نقطه آغاز تازه‌ای برای خدا بر روی زمین گردید.

از آن زمان تاکنون دوهزار سال گذشته است، ولی روحیه عیسی نابود نشد، که در عوض میلیونها نفر آن را به ارث برده‌اند. چقدر خوشحال خواهیم بود اگر امروز بتوانیم چنین ماموریت مهمی (سنت عیسی) را به ارث ببریم! از اینرو مهم نیست اگر زندگیمان را از دست بدهیم، باید در تاریکی مرگ فریاد برآورده و با روشنایی قلب خدا آن (تاریکی) را در هم

بشکنیم. باید کاری کنیم که آن روشنایی در تمامی جهان بدرخشید. ما باید که آنچنان مرد و زنی شویم. این راه تلاش و مبارزه ماست.

بطور اساسی سقوط یعنی مرگ، و رستگاری به معنای غلبه بر مرگ است. اگر عزم جزم کرده‌ایم که نجات بیابیم، باید جسور باشیم و اگر موفق شویم، دنیا در جهتی تازه قرار خواهد گرفت.

ما باید نوق زده باشیم. آیا مطمئن هستید که می‌توانید بر مسئله مرگ و زندگی غلبه کنید؟ من خودم بارها و بارها، صدها، هزاران، حتی ده‌ها هزار بار با موضوع مرگ و زندگی روبرو شده‌ام. اگرچه ممکن است که با درد و رنج و عذاب روبرو شوم، اگرچه ممکن است که پاهای من قطع شده، چشمهایم بیرون کشیده شود و حتی سرم بالای دار برود ولی با عزمی راسخ و استوار به دوره‌ای که آغاز کرده‌ام همچنان ادامه خواهم داد. عقیده و اعتقاد من مطلق است.

پیروزی که خدا خواهان آن است.

روزی يك گروه پنجاه نفری از ژاپن به کره آمده و به دیدن زمین مقدس در پوسان رفتند. این زمین مقدس درست در کنار يك قبرستان و در يك جای (کوهپایه) سنگی است که کسی در آن زندگی نمی‌کند. سالها قبل در آنجا يك آلونک کوچکی از گل و مقوا ساختم. با اینکه نسبت به مکانهای مجلل بسیار متفاوت بود، اما وقتی که در آنجا می‌خوابیدم، راه فرزندان پارسا و باتقوا را در برابر خدا بسان پسرش طی می‌کردم. من در جستجوی استانداردی عمیق و ابدی بودم که هیچکس دیگری به آن دست نیافته بود. در آن زمان هیچگونه دارایی بیرونی و پول نداشته، مجموعه‌ای از لباسهای خارجی و کره‌ای به تن می‌کرده، چهره‌ای نشسته و ریشو داشتم. به این دلیل همواره کثیف بنظر می‌رسیدم. اما به هر جا که می‌رفتم از چیزهای خیلی بزرگ صحبت می‌کردم، چیزهایی پرسر و صداتر از انفجار بمب اتم، چنان مهیب که هر کسی از آن متعجب شده و می‌گریخت.

در تمامی طول زندگیم سختی و محنت عظیمی را تحمل کرده‌ام، اما شاید شما قادر به درک آن نباشید. پنجاه سال طول خواهد کشید تا بتوانم آن را تشریح کنم. ولی نتیجه‌گیری را که می‌توانم از زندگی‌ام برایتان بگویم این است، مهم نیست که در فعالیت‌هایتان چقدر در رنج و عذاب هستید، مهم نیست که از جانب محیط زندگیتان چقدر مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرید، ولی باید قادر باشید تا همواره در پیشگاه خدا با استقامت خود را حفظ نمایید.

اگرچه عیسی با مصلوب شدن زمین را ترك کرد، اما استانداردی را که او بعنوان فرزند پارسا تاسیس نموده و با آن قلب خدا را تحت تاثیر قرار داده بود، همچنان باقی مانده است و خدا باید به آن پاسخ دهد. اگرچه عیسی هرگز در پی دریافت جواب از جانب خدا نبوده، با اینحال قلب خدا نمی‌توانست خود را از رفتن بسوی او متوقف کند. عیسی پس از گذشتن چهار هزار سال تاریخ ثبت شده در کتاب مقدس، اولین پسر خدا بود.

در حدود سیصد نفر در اینجا گرد آمده‌اند. اگر همه‌ی شما عزم جزم کنید که همان کاری را که عیسی کرد، انجام دهید، تمامی چهل و سه استان ژاپن بازسازی خواهد شد. همواره پیروزی از تصمیم‌گیری درونی شکل گرفته در لحظات آغازین انجام يك کار بوجود می‌آید، نه در هر وقت و زمانی که خواستی، مثلاً در میانه راه شما باید این نکته را بخوبی درک نمایید.

حتی اگر قادر باشید که بر صدها موقعیت مرگ و زندگی غلبه کرده و پیروزی بدست آورید، برای کسب پیروزی درونی را که خدا در پی آن است، هنوز به عزمی راسختر نیاز دارید، به گونه‌ای که شیطان نتواند به آن دست یابد.

ممکن است که در این فکر باشید که رنج و عذاب شما در عمق محیطی تلخ، به (پیشبرد) مراحل بازسازی کمک می‌کند. اما من قبلاً این فاکتورها را بطور دقیق حساب و کتاب کرده‌ام، بگونه‌ای که هرآنچه را که کانون آموزش می‌دهد، بتواند تاریخ

را تکمیل نموده و از آن تاریخی راستین بسازد. من چیزهایی را آموزش می‌دهم که هیچ فردی حتی تصورش را هم نمی‌کرد.

هر فردی در ژاپن از نهضت هماهنگ صحبت می‌کند. آنها به این می‌اندیشند که چرا این جوانها بنظر می‌رسد که وقتشان را با گام نهادن در مسیر رنج و عذاب تلف می‌کنند. بعضی از شما شاید به دانشگاه توکیو راه یافته و از طرف بستگان خود مورد تحسین نیز قرار گرفته‌اید. اما بخاطر اینکه به نهضت هماهنگ پیوسته‌اید، خانواده‌تان ویران و خراب شد. بسیاری از شما در چنین موقعیتی هستید. اما اگر قرار است که مردان و زنان بزرگی شوید، باید در سطح جهانی کار و تلاش داشته باشید. مهم نیست که به چه میزانی در ژاپن مورد رنج و آزار قرار گرفته‌اید، برای اینکه بتوانید به ایده‌آل خدا وارد شوید، آن رنج و عذاب کافی نیست.

نهضت هماهنگ چیست؟ مکان و جایگاهی که در جستجوی استاندارد است که از طریق آن بتوانیم به حوزه ایده‌آل خدا وارد شویم. بنابراین، حال که به این مطلب آگاه شده‌اید، در زندگی خود باید بر آن ارزش بزرگتر متمرکز شوید.

راه عذاب

در زمان عیسی سه حواری اصلی، دوازده حواری، هفتاد پیرو، و صد بیست هواخواه همه بی‌ایمان شدند. از اینرو عیسی مجبور به رفتن به راه صلیب بود. ما باید برای این مسئله تاریخی غرامت پرداخته و در بازگشت بسوی خدا، به قیمت از دست رفتن زندگیمان مصمم شویم. در غیر اینصورت پیشبرد دوره‌های بازسازی امکان ناپذیر خواهد بود. باید به راه عذاب گام نهاده و در سطح ملی مسئولیت قبول کنیم و باید عزممان را جزم کنیم تا در طی سه نسل همه چیز را بطور کامل بازسازی کنیم. سه نسل لازم است، چون عدد سه از جمله اعداد اصولی بوده و چهار پایه اساسی در سه مرحله توسعه می‌یابد. با یک چنین عزمی باید رنج و عذاب‌ها را تحمل نموده و بر تمامی موانع غلبه کنیم.

عیسی در مقام والدین راستین یا پدر راستین آمد، اما یهودا به او خیانت کرد و در عمل خیانتکارانه او تمامی بشریت حضور داشتند. از طریق او تمامی انسانها، بسان اولاد خائن به والدین راستین خود خیانت کردند. بدینجهت باید در جهت جبران عمل خیانت به والدین راستین، در پرداخت غرامت پیشقدم شویم.

مردی برای سی سکه نفره والدین راستین را از زمین تبعید کرده و چهار هزار سال مشیت الهی را بطور کامل بدون اثر ساخت. در آن زمان شیطان بر زمین مستولی گردید. برای جبران این مسئله باید میزانی از درآمدان - سمبولی از عدد سه - را بمدت چهار سال در ازای بهای فروش والدین راستین بپردازیم. چهار سال نماینده شرق و غرب، شمال و جنوب است. این مطلب در کره به این معنا است که ما باید در طی چهار سال، هر سال سه هزار ون (سی دلار) این پول باید از طریق اشک و عرق بدن خود تو بدست آمده باشد. و وقتی که این پول را بدست آوردی، باید به خواست خدا بیشتر از زندگی خود بیاندیشی. با یک چنین قلبی باید آن پول پرداخت شود.

همچنین سه حواری اصلی عیسی باید با او متحد می‌شدند. اما در عوض او را ترك کردند. دوازده حواری، هفتاد پیرو و صد و بیست هواخواه نیز بی‌ایمان شدند. در نتیجه در مراحل پرداخت غرامت تمامی اینها را باید بازسازی کنیم. بدینسان هرکدام از ما باید سه فرزند روحی یافته و متمرکز بر آنها، سپس هفتاد و بعد صد و بیست پیرو را بیابیم. این چیزی بود که من در طی بیست و یک سال گذشته در حال انجام آن بوده‌ام. بدلیل اینکه عیسی نتوانست این را بر روی زمین بواقعیت درآورد. او و خدا مغلوب غم و اندوه بسیار زیادی شده بودند. ماموریت نهضت هماهنگ رفع این غم و اندوه می‌باشد. این فرمول و دستورالعمل مراحل بازسازی در زندگی ماست.

برای ازدواج مقدس در سال ۱۹۶۰ مجبور بودیم تا تمامی پایه‌های غرامتی چهار هزار سال دوره‌ی مشیت شده بر اساس کتاب مقدس قبل از عیسی و دوهزار سال بعد از عیسی را تاسیس کنیم. این مراسم شامل مفادی جهان شمول و در سطح هستی بود. اما در حقیقت تعداد کمی از افراد شاهد آن بودند. در آن زمان ما هنوز با رنج و عذاب غیر قابل تصویری روبرو بودیم.

دوره آمادگی از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۰ یک دوره زمانی با رنج و آزار بسیار شدید بود. در طی آن دوره بیش از سه میلیون نفر انسان، سه فرقه اصلی مسیحی، سه دولت کره با ما مخالفت کردند. در عین حال می‌بایست با تاسیس پایه‌های غرامت پیروزی را ملموس کنیم. این زمینه ازدواج مقدس من در سال ۱۹۶۰ بود.

روز ازدواج سرنوشت کانون را تعیین کرد. این مراسم یک اتفاق بزرگ برای جهان و هستی بود. بواسطه ماموریت و بخاطر اینکه چه روحی و چه جسمی به پیروزی نائل شده بودم، تمامی پایه‌های عمودی غرامت در سطح جهانی بصورت افقی بر روی زمین بازسازی شده بود. یک مورد ضروری قبل از برکت ازدواج خودم، بازسازی سه حواری بود. (نماینده سه حواری عیسی که دو هزار سال پیش او را ترک کردند).

آدم و حوا در حالیکه نامزد بوده و هنوز ازدواج نکرده بودند سقوط کردند. بنابراین بازسازی آنها توسط یک نفر (تنها) نمی‌تواند صورت بپذیرد، رستگاری نمی‌تواند تنها توسط یک مرد تنها انجام شود. در نتیجه یک مرد و یک زن باید با یکدیگر مشکل را حل و فصل نمایند. برای تاسیس استاندارد آدم و حوا بعنوان والدین راستین بر روی زمین ما باید پایه (مورد لزوم) را متمرکز بر نامزدی سه حواری تاسیس کنیم. مقصود خدا (در شروع مشیت الهی) بازسازی خانواده آدم بود اما با شکست قابیل و هابیل، تقدیر الهی به خانواده نوح منتقل گردید. (در زمان نوح) تمامی انسانها در جهان برای از بین بردن تهاجم شیطان در زمان سقوط، از طریق خانواده نوح با سیلاب قضاوت شدند. که این مشیت الهی برای رستگاری بر روی زمین بود. بدنبال آن مسئولیت به خانواده ابراهیم، اسحاق و یعقوب منتقل شد و همچنان پس از آن به موسی و سپس به عیسی انتقال یافت.

اینگونه می‌توانیم ببینیم که مشیت الهی برای رستگاری چندین بار به تعویق افتاد. از اینرو باید تاوان و غرامت آن را بپردازیم. در پرداخت غرامت برای غرامت برای معیار و استاندارد خانواده‌ی آدم، نخست باید سه فرزند را بازسازی کنیم.

عیسی بطور مطلق به سه حواری، در مقام سه بزرگ فرشته در باغ عدن نیاز داشت. بدلیل اینکه این سه بزرگ فرشته نتوانستند بطور کامل با آدم و حوا متحد شده به آنها خدمت کنند، دنیای سقوط کرده پا به عرصه وجود نهاد. برای اینکه والدین راستین کامل شده مقام خودشان را تکمیل نمایند، به سه حواری مشابه با سه بزرگ فرشته نیاز مندند که بتوانند بطور کامل به آنها خدمت کنند. تا زمانی که چنین چیزی صورت نگیرد، نمی‌توان شیطان را از روی زمین ریشه‌کن نمود.

تمامی تاریخ نافرمانی مردم قابیلی را در برابر مردم هابیلی، توسط سه حواری والدین راستین بازسازی شده است. این سه حواری نماینده سه بزرگ فرشته در دنیای روح و سه قابیل در سه دوره مشیتی مهم (عهد عتیق، عهد جدید و عهد تکمیل شده) هستند. {بعبارت دیگر قابیل در خانواده آدم، قابیل در خانواده عیسی و قابیل در ظهور دوباره والدین راستین}.

برای پرداخت غرامت تاریخی اینچنین والدین راستین در ظهور دوباره بعنوان نماینده‌ی عیسی و همینطور نماینده اولین آدم، باید سه حواری اصلی را در مقام سه قابیل پرورش دهند.

در دنیای روح سه بزرگ فرشته وجود دارد. بر روی زمین ضروری است که سه فرزند روحی بطور مطلق از هابیل خود پیروی کنند. سه حواری باید در عین آزار و اذیت ایمان خود را حفظ نمایند. این استاندارد در سال ۱۹۶۸ تاسیس شد.

از آنجاییکه مراحل بازسازی مراحل معکوس می‌باشد آنهایکه در مقام فرزند هستند باید اول برکت دریافت کنند. این سه حواری یا سه فرزند روحی آن پایه ضروری را بنا می‌کنند.

برکت دوازده حواری

بعد از نامزدی سه حواری که حاکی از سه پسر بازسازی شده آدم (قابیل، هابیل و شیث) هستند، والدین راستین با اعلان ازدواج سال ۱۹۶۰ در مقام واقعی والدینی قرار گرفتند. خدا از خانواده آدم رنجیده خاطر بود. اما والدین راستین قادر بودند تا يك اتحاد دسته دوم (بعنوان يك کپی از مدل اولیه) بین والدین و سه فرزند را برای اولین بار بر روی زمین بسازند. این حرکت در سال ۱۹۶۰ در کشور کره صورت گرفت. و این خود يك اتفاق تاریخی بود که در آن تاریخ تازه شد.

در آوریل سال ۱۹۶۰ متمرکز بر عدد دوازده اولین دوره برکت شکل گرفت. از لحاظ تاریخی این حرکت معادل بازسازی دوازده حواری عیسی بود. کتاب مقدس از دوازده دروازه بهشت سخن می‌گوید: عدد دوازده در تاریخ بنی اسرائیل عددی مرکزی می‌باشد. ایده‌آل مسیحیت، که تنها با يك ماموریت روحی وارد عمل شده بود، تنها از طریق پرداخت غرامت می‌تواند بر روی زمین چه بشکل روحی و چه بصورت جسمی ریشه بدواند.

غم و اندوه بزرگ خدا این بود که از زمان سقوط نتوانست هیچ پایگاهی را بر روی زمین در سطوح فردی، خانوادگی یا ملی ادعا کرده و حفظ نمایند. برای درمان این غم و اندوه، نخست باید بازسازی را در سطوح فردی و خانوادگی تکمیل کنیم.

از زمان آدم تا نوح دوازده خانواده، از جمله خانواده قابیل، هابیل، سام و هام وجود داشت. از زمان نوح تا ابراهیم نیز دوازده خانواده از جمله خانواده‌های اسحق و یعقوب وجود داشت. بازسازی و احیای دوازده نفر به معنای رستاخیز و احیای تمامی اجداد از آدم تا ابراهیم می‌باشد. بعبارت دیگر يك پایه عمودی غرامت بطور افقی تکمیل شد. بنابراین اگرچه از زمان آدم تا نوح ده نسل وجود داشت، اما از دیدگاه مشیت الهی وقتیکه هابیل و قابیل را نیز محسوب می‌کنیم، دوازده نسل خواهند بود. از اینرو در حوزه واقعی بمثابة يك پایه غرامت دوازده حواری برکت گرفتند.

این حرکت، پیروزی را به دومین سطح کشاند، موقعیتی که شیطان همواره آن را متهم می‌کرده است. خانواده نوح نماینده ی خانواده‌ی آدم بود. چون توانستم پایه برای رستاخیز خانواده نوح را تاسیس کنم، همچنین قادر بودم تا دوازده نسل از آدم تا نوح از جمله قابیل و هابیل را احیا کنم، رستاخیز و احیای آنها در دنیای روح و همچنین آزادی دنیای روح از طریق پایه‌ای را که بر روی زمین برپا کردم بواقعیت درآمد.

سه نوع خانواده

استاندارد بازسازی خانواده‌های آدم، نوح و یعقوب تنها با برکت گرفتن خانواده یعقوب می‌تواند صورت پذیرد. در مراسم برکت ۳۶ زوج برای اولین بار در تاریخ بشری، روابط عمودی بطور کامل بصورت افقی تاسیس گردید. اولین، دومین و سومین گروه خانواده‌هایی که برکت دریافت کردند، بترتیب در مقام‌های خانواده آدم، خانواده نوح و خانواده یعقوب قلمداد می‌شوند.

اولین ۱۲ زوج برکت گرفته، کسانی که قبلا بر اساس میل خود ازدواج کرده بودند، نماینده خانواده آدم بودند. دومین ۱۲ زوج برکت گرفته کسانی که ازدواج نکرده بودند، اما در پی ازدواج و عشق بوده‌اند، نماینده خانواده نوح بودند. سومین

۱۲ زوج برکت گرفته کسانی که خود را پاک حفظ کرده بودند، نماینده خانواده یعقوب بودند. از طریق این برکت (برکت ۳۶ زوج) بخت و اقبال نهضت هماهنگ و پایهی اتحاد بهشت (حوزه روحی) دنیا و زمین تعیین گردید.

این حرکت پیروزی در سطح افقی را به تاریخ عمودی پیوند زد. جاییکه از شکست‌های بسیار با رنج و آزار فراوان برای خدا پر شده بود. این پیروزی همچنین حوزه روحی دنیا را با حوزه جسمی دنیا مرتبط ساخت و اکنون خدا پایگاه و جای پای بر روی زمین دارا می‌باشد.

حالا که خدا می‌تواند بر روی زمین ساکن شود، توسعه و پیشرفت در سطح جهانی بر روی زمین می‌تواند آغاز گردد. در ۷ سال بعد از ۱۹۶۰ قرار بود که آمدن خدا بر روی زمین تکمیل گردد و برای انجام این مسئله بازسازی فرزندان ضروری بود.

در گذشته قابیل‌ها با عدم پیروی از هابیل‌ها باعث به تعویق افتادن ده‌ها هزار ساله تاریخ بشری شدند. برای بازسازی این مسئله در این زمان قابیل و هابیل در درون يك خانواده باید متحد و یگانه شوند. از طریق برکت ۷۲ زوج ۳۶ زوج نماینده خانواده قابیلی و ۳۶ زوج دیگر نماینده خانواده هابیلی، غرامت برای بازسازی این مورد پرداخت شد. همچنین چهار پایه اساسی را که اجداد ما نتوانستند بنا کنند، بواسطه این برکت تحقق یافته و شیطان وادار به عقب نشینی شد.

بدنبال برکت ۷۲ زوج، برکت ۱۲۴ زوج استاندارد توسعه و پیشرفت را در سطح جهانی متمرکز بر والدین راستین بنا نهاد. ۱۲۴ زوج سمبل سر برای تمامی ملت‌های جهان هستند. عیسی برای شروع بازسازی روحی در سطح جهانی به ۱۲۰ حواری نیاز داشت، بطور مشابه در مقام مسئول نهضت هماهنگ می‌باید دوره‌ی واقعی خودم را با ۱۲۴ زوج شروع می‌کردم و این در طی ۲۱ سال به انجام رسید.

بعد از اینکه خدا توانست مردم را که در پی آنها بود بیابد، بازسازی همه چیز (موجودات آفرینش) را بعهده گرفت. تاسیس زمین مقدس به معنای برکت همه چیز (برکت موجودات آفرینش) است. در سال ۱۹۶۵، ۱۲۰ زمین مقدس در ۱۲ زمین مقدس در ۴۰ کشور سراسر جهان بنا شدند و این نقطه‌ی تغییر جهت بخت و اقبال ما بود.

اعلان روزخدا

یکی از روزهای شگفت‌انگیز روز والدین راستین می‌باشد. ما انسان‌های سقوط کرده نتوانستیم دارای والدینی باشیم که خدا بتواند با آنها بوجد بیاید. اما از آنجاییکه والدین ما بازسازی شده‌اند لذت و شادی به خدا و بشریت رو گردانیده است.

در گام بعدی روز بچه‌ها را تاسیس کردیم. تا به این زمان انسان‌ها نتوانسته‌اند این روزهای شگفت‌انگیز را جشن بگیرند، چرا که نتوانسته‌ایم دوره بازسازی را تکمیل کنیم. اما اکنون کلام باشکوه بطور تاریخی بواقعیت درآمده است.

سرانجام "روز خدا" در اول ژانویه ۱۹۶۸ اعلام شد. اعلام این روز امکان حضور خدا را بر روی زمین بوجود آورده و پیشرفت و ترقی روزانه نهضت هماهنگ را تضمین و بیمه نمود. اکنون می‌توانیم برای آزادی حوزه‌ی روحی دنیا (دنیای روح) و حوزه‌ی جسمی دنیا (دنیای جسم) و همچنین حوزه‌ی جهنم، متمرکز بر حقیقت اصل کار کنیم. بخاطر اینکه روز خدا اعلام شده است، می‌توانیم به موقعیتی که جهنم و شیطان پایگاه و جای پای ندارند بازگردیم. زمانیکه "روز خدا" اعلام گردید ماموریت من کامل شد.

درست بسان عیسی که از جانب رهبران یهودی مورد رنج و آزار قرار گرفت، من نیز از جانب کشور کره و کلیساهای مسیحی در آنجا مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌ام. عیسی مجبور بود تا با حقیقت تازه‌اش دوره‌ای باضابطه (بعنوان الگو) برای جلب نظر یهودیان و زدودن شکست‌های آنها پیشگام شود. تلاش برای تاسیس دومین یهودیت نوین تمامی دوره سه

ساله ماموریت عمومی او را دربرگرفته بود. این دوره درگیر به بالا کشیدن مشیت الهی از سطح فردی به سطح خانوادگی و از آنجا به سطوح قبیله‌ای و جهانی شد. عیسی می‌خواست تا استاندارد پیروزی ابدی را چه روحی و چه جسمی تاسیس نماید تا اسرائیل از دستان شیطان آزاد گردد. با اینحال از انجام چنین کاری باز داشته شد.

همانگونه که عیسی از طرف رهبران یهود مورد آزار و اذیت قرار گرفت، من نیز از جانب کلیساهای مسیحی مورد رنج و آزار قرار گرفته و در عمق این رنج و آزار می‌بایست برای بازسازی هرچیزی می‌جنگیدم. در سال ۱۹۴۵ موقعیت بگونه‌ای بود که می‌بایست به پیونگ یانگ، پایتخت کره‌شمالی، به اردوگاه شیطان بروم. من می‌بایست سئول و محل سکونت خود را که خدا به آن برکت داده و پایه مطمئنی نیز در آن داشته ترک کرده و به مقر فرماندهی دشمن خدا بروم. اگر نمی‌توانستم که بر پایه اتهام شیطان غلبه کنم، قادر نبودم که برای دومین بار کارم را آغاز کنم. به این دلیل بود که در یک کشور کمونیستی می‌بایست به زندان میرفتم.

در زمانیکه در زندان بسر می‌بردم می‌باید برای بازسازی موقعیت عیسی که از جانب حواریونش ترد شد، ۱۲ حواری می‌یافتم. و اینگونه یک تاریخ نوین توانست در درون زندان شکل گرفته و آغاز شود. بعد از تکمیل این پایه توانستم که به جنوب (کره جنوبی) بازگردم. جایکه هنوز می‌بایست برای تکمیل مشیت الهی انواع اتهامات و عذاب‌ها را از جانب کلیساهای مسیحی تحمل کنم. برای تاسیس یک نهضت نوین با لیاقت و صلاحیت در تفوق بر کلیساهای مسیحی در ارتباط با انجام مشیت الهی، سالهای بسیاری رنج و زحمت کشیدم. در واقع این چهره نهضت هماهنگ در کشور کره است.

چند ماه پیش در دهم سپتامبر سال ۱۹۶۸ انجمن (فرهنگستان) ادبا و علما را تاسیس و تمامی رهبران مسیحی را دعوت کردیم. کسانیکه واکنش نشان دادند، رهبران مسیحی بودند که بشدت با نهضت هماهنگ مخالفت می‌کردند. در حدود ۴۰ نفر در این نشست شرکت جستند، همه مغرور بنظر می‌رسیدند با اینحال به آنها خوش‌آمد گفتم. در واقع از فرا رسیدن چنین زمانی خوشحال بودم. این رهبران مسیحی برای سال‌های بسیار با کانون می‌جنگیده و بطور معمول ما را مردمی ناچیز، بیچاره و تیره روز می‌دانستند. اما الان می‌توانستند ببینند که رورند موانع آنچنان نیست که آنها تصور می‌کردند، آنها در این زمان توانستند مرا پذیرفته و کانون را تصدیق نمایند.

نهضت هماهنگ در دسری جدی در کشور کره شده است. اعضای کانون به مثابه گروهی ترسناک و مرا رهبری هولناک می‌خوانند. کلیساهای مسیحی نتوانستند با کانون به مبارزه برخیزند و قادر نبودند بر تئوری و آموزش‌های کانون ما غلبه کنند. از اینرو اکنون به یکدیگر توصیه می‌کنند که با ما سروکار نداشته باشند.

پایه‌ی پیروزی

ما با تحمل آزار و اذیت راه بازسازی را پیشگام شده‌ایم. حتی اگر تمامی دنیا با ما مخالفت کند، همچنان جسور خواهیم بود. مهم نیست که چند بار برای خدا بمیریم. اما بطور قطعی خواست خدا را انجام خواهیم داد. این معمای گیج‌کننده‌ای برای کلیساهای مسیحی بوده است. من تمامی مشکلات لاینحل تاریخی را که بمدت شش هزار سال بر سر راه خدا قرار گرفته بود، حل و فصل کردم.

موقعیت شکل گرفته است، اکنون حتی اگر بمیرم، تئوری و آزمایش‌های کانون در سراسر جهان منتشر شده گسترش خواهد یافت. مهم نیست که تا چه اندازه‌ای تمامی کشور ژاپن بر علیه ما بسیج شده است، ما هرگز مغلوب نخواهیم شد.

آیا خدا به ژاپن نیاز دارد؟ خدا ژاپن را بخاطر خود ژاپن نیاز ندارد. او به ژاپن نیاز دارد چرا که به جهان، دنیای روح، دنیای جسمی و هستی نیاز دارد. خدا نخست محیط این دنیا را آفرید و همه چیز را برای چنین موقعیتی فراهم نمود،

بنابراین اگر سهم مسئولیت کوچک خود را انجام دهیم، تمامی جهان به حرکت درخواهد آمد. ما در يك چنین زمان حساسی زندگی می‌کنیم.

شما جوانان، هرگز نباید فکر کنید که خدا وجود ندارد. بلکه بطور حتم وجود دارد. ولی او خدایی انتزائی، خیالی و بی‌مسماست. بلکه وجودی با برکت و عمل است. چقدر جالب و شگفت‌انگیز است.

استاندارد برکت

تا زمانی که نتوانیم مراحل بازسازی را در سطوح فردی، خانوادگی، قبیله‌ای، ملی و جهانی تاسیس کنیم. بگونه‌ای که استاندارد شکل گیرد که شیطان نتواند آن را مورد اتهام قرار دهد، قادر نخواهیم بود که برای برکت پایه‌ای تاسیس کنیم.

در سال ۱۹۶۰ به قله مرحله رشد دست یافتیم، جایکه آدم و حوا سقوط کردند. برای اینکه والدین راستین بتوانند به حوزه کمال دست یابند، يك دوره‌ی هفت ساله در مقام هفت مرحله، ضروری بود. این در واقع به اولین دوره‌ی هفت ساله شکل و فرم داد. وقتیکه به حوزه‌ی استاندارد کمال گام می‌نهیم، در واقع به حوزه سلطه مستقیم خدا وارد می‌شویم. سلطه مستقیم خدا به معنای ارتباط مستقیم درونی و بیرونی با خدا می‌باشد، که این استاندارد سلطه در قلب و زندگی است.

در سال ۱۹۶۰ به "برکت" دست پیدا کردیم. اما نه به سطح راستین کمال چرا که دنیا هنوز تحت تسلط حوزه شیطانی بود. به این خاطر شیطان می‌توانست به مقام مقدس والدین راستین هجوم ببرد. با همه‌ی این احوال، بر تمامی این مخالفت‌ها در طی این هفت سال غلبه کرده و روز والدین، روز فرزندان، روز همه چیز و سرانجام روز خدا را تاسیس کردیم. به این دلیل استاندارد کمال بطور کامل بر روی زمین برپا گردید.

خدا در پی روزی بود که ببیند يك عروس و يك داماد به یکدیگر پیوسته و بر مخالفت‌ها و اتهامات شیطانی غلبه کنند. در طی ۲۰۰۰ سال تاریخ مسیحیت، داماد، عیسی بود که در دنیای روح، و روح‌القدس به نمایندگی چهره و جنبه‌ی زنانه خدا، بر روی زمین کار و تلاش داشتند.

اما بواسطه نهضت هماهنگ، حوزه‌ی روحی دنیا (دنیای روح) و حوزه‌ی جسمی دنیا (زمین) بطور کامل متحد شده و شیطان به مثابه مانع و دیواری بین این دو حوزه زوده گردید. در این راه هدف تمامی مذاهب بواقعیت درآمده است. اگر این قبیله روز به روز توسعه و گسترش یابد، ملتی را شکل خواهد داد که در سطح جهانی گسترش خواهد یافت، بدینسان ملتی نوین، اسرائیل سوم، پا به عرصه وجود خواهد نهاد.

اگر چه ژاپنی هستید، اما از این ببعد نه فرزندان اجداد ژاپنی، بلکه فرزندان خدا، با يك نسب خونی تازه قلمداد می‌شوید. نهضت هماهنگ چنین چیزی را ممکن ساخته است و ما در جایگاهی متفاوت ایستاده‌ایم. اینجا حوزه‌ی پیروزی است که تمامی اتهامات شیطانی را خنثی کرده از میان برمی‌دارد.

در چه موقعیتی قرار گرفته و ایستاده‌اید؟ تا زمانیکه به سطح کامل مرحله‌ی رشد نائل نشوید، برای دریافت برکت صلاحیت نخواهید داشت. يك مرد و يك زن در زمان سقوط، از باغ عدن بیرون رانده شدند. بنابراین در مسیر بازسازی، يك مرد و يك زن باید بر محیط متخاصم غلبه کنند. این معنا و مفهوم برکت می‌باشد.

روز خدا، روز والدین، روز بچه‌ها و روز آفرینش خودم در سطح جهانی و هستی اعلان شد. شما می‌توانید برکت دریافت کرده و به چنین حوزه‌ی بیپونید، اما آن راهی را که من رفته‌ام، طی نکرده‌اید. در واقع در مقام اجداد راستین يك نسب

تازه، شما باید روز والدین خود را تاسیس کنید. همینطور باید بتوانید روز بچه‌ها، روز آفرینش و روز خدای خودتان را تاسیس نمایید. این تمامی آن چیزهایی است که اعضای کانون باید انجام دهند و دلیل شروع دومین دوره‌ی هفت ساله همین است.

اگر چه شما بازماندگان سقوط هستید، با این حال باید بتوانید بر استاندارد آدم و حوا تفوق جسته، با جسارت در غلبه بر اتهامات شیطانی به پیش بروید و این معنای پیشرفت و ترقی تام است.

فداکاری بستگانم

در طی دوره ۲۱ ساله‌ام، تنها از این حسرت می‌خوردم که نتوانستم حقیقت را به بستگانم رسانده و به آنها در ارتباط با کلام خدا شهادت دهم. عیسی نیز چنین حسرتی را در دل داشت. من نتوانستم درباره‌ی ماموریتم با بستگانم صحبت کنم. البته والدین، برادر و خواهرانم احساس می‌کردند که بگونه‌ای مردی بزرگ بوده و کارهایی بزرگ انجام می‌دهم. اما هرگز نتوانستم در ارتباط با معنای باارزش اصل با آنها صحبت کنم. این دردی بود که در درون داشتم. اگرچه والدینم، برادر یا خواهرانم از لحاظ جسمانی به من خیلی نزدیک بودند، اما نتوانستم به آنها عشق بورزم. در عوض می‌بایست مردم حوزه قابیلی را بیش از اعضای خانواده و بستگانم دوست بدارم. بهرحال نهضت هماهنگ به این خاطر توانست پیشرفت کند.

تا زمانیکه نتوانید آنگونه دوست بدارید، نمی‌توانید قلب قابیل خود را بدست آورید. بدون قابیل، هابیل نمی‌تواند بایستد. اگر نتوانید مردمی را که بیشتر از فرزندانان برای شما خلف باشند، پرورش دهید، قادر نخواهید بود که از طریق غرامت کار بازسازی را به پیش ببرید. اما انجام آن به معنای رنج و عذابی عظیم است و اگر نتوانید بدون خواب و خوراک مردم را دوست بدارید قادر نخواهید بود تا با عشق بر آنها تسلط داشته باشید.

من در چنین موقعیتهایی بوده و در چنین مسیری برای آفرینش پایه‌های پیروزی سعی و تقلا داشته‌ام. ولی شما با من تفاوت دارید. در دومین دوره‌ی هفت ساله می‌توانید با ارزش‌ترین دارایی خود را بطور مستقیم به بستگان، والدین، برادر و خواهران خود بدهید، آنچنان که بتوانید نجات دهنده بستگان خود شوید.

در طی دومین دوره هفت ساله شما باید بتوانید نجات دهنده‌ی قبیله‌ی خود شده و بهمراهی بستگانان کاری را که عیسی و من نتوانستیم انجام دهیم، واقعیت درآورید. با دستیابی به پیروزی متمرکز بر والدین، برادر و خواهر خود در میان قبیلتان شما قادر خواهید بود تا هر چیزی را به انجام برسانید. شما می‌توانید به این کار در سطح فردی، خانوادگی، قبیله‌ای و ملی تحقق بخشید و قادر خواهید بود که در را بسوی تمامی جهان بگشایید.

نقطه‌ی آغازین و ماموریت دومین دوره هفت ساله، انجام کاری است که عیسی دو هزار سال پیش می‌خواست انجام دهد. یعنی آشکار نمودن خواست خدا برای مریم و یوسف و کمک به آنها برای بطور کامل شرکت جستن در مشیت الهی متمرکز بر خودش. من در وضعیتی (مشابه) برای انجام این امر بودم، اما اگر نخست بستگان خود را دوست می‌داشتم، مشیت الهی برای بازسازی نمی‌توانست پیشرفتی داشته باشد.

همواره افراد دوست‌داشتنی برای فداکاری و تحمل عذاب صدا زده شدند. دوره‌های مشیت الهی به ما نشان داده است که می‌بایست فرزندان دوست‌داشتنی، خانواده و قبیله خود را فدا نموده و نخست خانواده‌ها و قبیله‌های شیطانی را دوست بداریم.

خدا دشمن خود را دوست داشته و به او برکت می‌دهد. عیسی بر روی صلیب دعا نمود: "پدر آنها را ببخش، چون نمی‌دانند که چه می‌کنند...!" چون او از قلب خدا آگاه و باخبر بوده پس اینچنین دعا نمود.

مراحل بازسازی، نه با قدرت دستان و مشت شما که با قدرت قلبتان به پیروزی می‌رسد. در این راه باید با پرداخت غرامت به کمال خود رسیده و ما باید این مطلب را بخوبی بدانیم، که باید به برکت عقیق مانده از جانب عیسی نائل شویم. اینگونه می‌توان به کمال بازسازی و برکت دست یافت.

/پایان/